



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۳ دی ۱۳۹۰
۱۳ ژانویه ۲۰۱۲

حزب حکمتیست
روزنامه کیهان و شب
کمونیسم مارکس

روزنامه کیهان در شماره ۱۷ دیماه ۱۳۹۰ خود یک بار دیگر در مورد کمونیسم مارکس، منصور حکمت، حزب حکمتیست، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و محافل کارگری و کمونیستی، با امضای "حسین حسینی" اظهار نظر کرده است. کیهان جمهوری اسلامی قبلا نیز در شماره های ۳۰ بهمن و ۲۱ اسفند ۱۳۸۹ و ۲۰ و ۲۱ فروردین ۱۳۹۰، در مورد شکل گیری محافل مارکسیستی در ایران، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب و حزب حکمتیست مطالبی منتشر کرده بود. همه این مقالات جز یک مورد آن، به امضای "حسین حسینی" و زیر نام "بررسی شکل گیری محافل مارکسیستی"، به چاپ رسید. مطلب بی امضایی که احتمالا از تولیدات شریعتمداری بود، در دفاع از "پژوهش های" "حسینی" و اساسا به حزب حکمتیست پرداخته بود. مطلب ۲۱ فروردین ۱۳۹۰ جناب "حسینی" قرار بود آخرین مطلب از "پژوهش های" او باشد. ظاهرا و بر خلاف ادعاهای کیهان و جناب "حسینی" نیاز به پرداختن به این مهم بیشتر از توقعات و ادعاهای روزنامه کیهان جمهوری اسلامی و بیت رهبری است و به همین دلیل بار دیگر همه آن مسائل در ابعاد وسیعتر بر میز

بهرام مدرسی

روزنامه کیهان مجدداً فعال میشود



درحاشیه مقالات روزنامه کیهان درباره حزب حکمتیست و داب

روزنامه کیهان در شماره ۱۷ دی ۱۳۹۰ در ادامه مقالات خود یک نوشته دیگر در باره حزب حکمتیست و داب منتشر کرده است. این نوشته به امضای همان آقای حسین حسینی است که قبلاً مقالات دیگری هم در این باره منتشر فرموده بودند. لینک مقالات گذشته و جواب های آن از این قرارند

<http://bahram.blog.com/2011/03/>

<http://bahram.blog.com/2011/04/>

فواد عبداللھی

تحریم ابزار کشاورزی جمع است



در حاشیه سیاست تحریم اقتصادی و تهدیدات نظامی غرب

تحریم اقتصادی ایران نزدیک به دو سال است که آغاز شده و همچنان ادامه دارد. این تحریم ها ابتدا از ممنوعیت فروش تجهیزات مربوط به صنایع اتمی آغاز شد و سپس به همین بهانه به سایر بخش های اقتصادی کشیده شد و این در حالی است که محافل امریکایی به صراحت از "وجود گزینه نظامی بر روی میز" صحبت می کنند.

آنچه "حقانیت" چنین ادعاهایی را به شورای امنیت می دهد، تز "قانونی" بودن این تحریم ها از نظر "جامعه بین الملل" و اجرای آن از طرف قدرت های عضو این شورا است! طبق این دستور، می توان کشوری را که طبق بند ۷ منشور ملل متحد، "صلح و امنیت" را به خطر

لینک مقاله جدید جناب حسینی هم این است

<http://kayhannews.ir/901017/12.htm#other1207>

جناب حسینی ابتدا مدعی "پژوهشگر مسائل اجتماعی" بود. بعد از جواب های ما به ایشان برای اثبات پژوهشگر بودنش به پروتکل های بازجویی زندانیان در اوین مراجعه کرد. پس از جواب مجدد ما و احتمالاً فشار برادران وزارت اطلاعات و جناب شریعتمداری یک "تکذیب میکنم" محکم نوشتند و نوشته های "پژوهشگریانه" شان را بدون مقدمه متوقف کردند. ما همان موقع از انتشار این مقالات استقبال کردیم.

جناب حسینی در نوشته های سابقش به نقش و جایگاه حزب حکمتیست و وسعت

کارگران جهان متحد شوید!

جنبشی که به دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب معروف شد پرداختند. در این نوشته ها به مواضع انسانی این جریان پرداختند و در دنیای افشاگری "اسلامی" شان فراموش کردند که همه فاکتهایی که در "افشای" این جریان منتشر کردند، تنها علاقه عمیق انسانی به آنها را زنده میکند. همین دلیل قطع ناگهانی نوشته هایشان بود.

بعد از تنفسی چند ماهه و احتمالا بعد از طی یک دوره آموزشی جدید از طرف برادران سپاه و وزارت اطلاعات، اینبار نه بنام "پژوهشگر" بلکه مستقیماً بعنوان مامور جناب شریعتمداری و وزارت اطلاعات زحمت کشیدند و مجدداً دست به قلم بردند و یک "گزارش ویژه" نوشتند.

در رابطه با نوشته اخیر ایشان باید گفت اولاً بسیار خوشنودیم که مباحث درونی حزب حکمتیست، این حزب صفحه ۴

تباهی فیزیکی و معنوی شهروندان یک جامعه را به ارمغان نخواهد آورد. این گونه سیاست ها قبلاً نیز علیه کشورهای نظیر لیبی و عراق اعمال شده است. لیبی به مدت بیش از ۱۰ سال، پس از انفجار هواپیمای لاکربی بر فراز اسکاتلند تحریم شد. تحریم عراق از سال ۱۹۹۱، پس از تهاجم به کویت تا سال ۲۰۰۳ ادامه داشت. در هیچ یک از موارد فوق، سیاست تحریم نه تنها نتوانست این حکومت ها را سرنگون کند بلکه قدرت بقای بیشتری به آنها داد و نتایج وخامت بار آن برای مردم و به طریق اولاً طبقه کارگر این دو کشور بسیار زیاد بود. طبق آمار یونسف مرگ و میر کودکان از ۵۰ در هزار به ۱۳۳ در هزار رسید. بر طبق نظر دو تن از تحلیلگران نظامی "مستقل از جنگ، این تحریم اقتصادی بود که ضرورتاً به مرگ مردم عراق منجر شد که بسیار بیشتر از کشتاری بود که در سرتاسر تاریخ آن کشور به وسیله سلاح های به اصطلاح کشتار جمعی صورت گرفت" یعنی طبق محافظه کارترین تخمین ها، صدها هزار نفر صفحه ۴

همیشگی هزینه کنگره (محل خواب و هزینه سفر) توسط شرکت کنندگان پرداخت خواهد

شد از آنجا که هزینه محل خواب برای همه یکسان است هرکس باید خود این هزینه را پرداخت کند

ه - برای پیشبینی امکانات لازم برای نگهداری جوانان زیر ۱۶ سال ما باید از قبل تعداد آنها را دقیق بدانیم. لطفاً اگر با خودتان بچه همراه دارید هرچه زودتر تعداد، نام و سن آنها را به ما اطلاع دهید

و - برای سازمان دادن صفحه ۳

به همه علاقمندان شرکت در کنگره پنجم حزب

حکمتیست

در رابطه با کنگره حزب توجه تان را به فوریه) در محل حضور داشته باشید نکات زیر جلب میکنم

ج - با توجه به مسائل امنیتی ما همه شرکت کنندگان را (بلا استثناء) تنها در فرودگاههای استکهلم، اسلو، گوتنبرگ (یوتبورگ) تحویل میگیریم و به با چک امنیتی به محل کنگره منتقل میکنیم. حنما پاسپورت معتبر همراه داشته باشید

د- همانطور که میدانید طبق روال

الف - کنگره پنجم حزب حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۸ و ۱۹ ماه فوریه ۲۰۱۲ برگزار میشود

ب - همه شرکت کنندگان باید برنامه سفر خود را طوری بریزید که از جمعه شب (۱۷ فوریه) تا آخر روز یکشنبه (۱۹

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

روزنامہ کیهان و شبح ...

ارگانهای اصلی جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

حزب حکمتیست در اطلاعیه های رسمی خود و از زبان رهبران و فعالین این حزب، جواب روزنامه کیهان و "پژوهشگر" جمهوری اسلامی را داده است. اینجا نیز یک بار دیگر نکاتی را در مورد دور دوم نوشته های این روزنامه و "حسین حسینی" را به اطلاع عموم میرسانیم.

"پژوهشگر" روزنامه کیهان به بهانه کنگره پنجم حزب حکمتیست، و اختلافات در حزب ما، بار دیگر به کمونیسیم و شبحی که بر فراز ایران در گشت و گذار است اشاره دارد. تلاش میکند وجود اختلاف در حزب را به عنوان ابزاری علیه این شبح بکار بگردد. تلاش میکند با اتکا به این اختلافات، امید به خط ما، به کمونیسیم مارکس، به حکمت و حزب حکمتیست، که به اذعان روزنامه کیهان امروز به مراکز کارگری رسوخ پیدا کرده است را بزند. جهت اطلاع نویسنده کیهان خط ما و کمونیسیم ما و ابعاد نفوذ و تاثیر و اعتماد به آن را باید از همان محافل کمونستی در مراکز کار و در میان پرولتاریای صنعتی نتیجه گرفت. سهو بزرگی است اگر کسی دامنه نفوذ و موقعیت این کمونیسیم را از موقعیت و مشکلات مقطعی تشکیلات حزبی آن و خصوصاً در بخش علنی این حزب جستجو کند. اگر کسی میخواهد میزان نفوذ کمونیسیم مارکس و حکمت را بداند، باید به ارزیابی از جنبشی بپردازد که به وسعت جامعه و خصوصاً در میان پیشروترین بخش طبقه کارگر نفوذ دارد. حزب حکمتیست تنها جمع عدوی اعضا حزب در بخش علنی نیست. و کمونیستهای مارکسی تنها کسانی نیستند که در لیست اعضا این حزب نام نوشته اند. حزب حکمتیست تنها بخشی کوچک و البته متحزب از یک جنبش عمیقاً انسانی و وسیع است. حزب حکمتیست در عین حال یک خط و سیاستی است که میزان تاثیر و تمایل به آن فراتر و بسیار فراتر از چهارچوب حزبی ما است. به همین دلیل علیرغم تمام تلاشهای کیهان جمهوری اسلامی و "منسوخ" اعلام کردن کمونیسیم مارکس و منصور حکمت و خط حکمتیست، نمیتواند وزن کمونیسیم مارکس و نگرانی روزنامه کیهان و وزارت اطلاعات آن را، از خوانندگان مخفی کند. جناب "حسینی" بار دیگر نگرانی از رشد محافل کمونستی در دانشگاهها و مراکز کارگری و صنعتی ایران را ابراز کرده است و تلاش میکند از پیش و در ادامه

تلاشهای این وزارتخانه، چنین فعالیتهایی را بی نتیجه و در ایران "اسلامی" غیر ممکن اعلام کند.

مقاله کیهان رشد محافل دانشجویی و تلاش برای اشاعه کمونیسیم مارکس و رشد محافل مارکسیستی را به ما منتسب کرده است. سازمان وسیع و توده ای دانشجویان آزدیخواه و برابری طلب را کار حکمتیستها اعلام کرده است، و در پس جملات خود خطر رشد و شکل گیری دوباره محافل کمونستی را گوشزد کرده است. تلاش "حسینی" و روزنامه کیهان و وصل کردن فعالیت کمونستی به حزب ما اهداف معین خود را دارد. کاری که قبل و بعد از سرکوب داب به منظور امنیتی کردن فعالیت کمونستی و ایجاد امکان سرکوب خونین و علنی آن، در دستورشان قرار گرفت. منتسب کردن داب به حزب حکمتیست و به میدان کشیدن اسلحه بخشی از پرونده سازی وزارت اطلاعات در دوره سرکوب دانشجویان آزدیخواه و برابری طلب بود. طرح دوباره این مسئله و اذعان کیهان به رشد کمونیسیم مارکس در میان طبقه کارگر، گواه این حقیقت است که روزنامه کیهان و وزارت اطلاعات و جناب "حسینی" در پروژه خود نه تنها توفیق حاصل نکرده اند، بلکه با خطرات به مراتب مهمتر از دوره داب، و این بار در میان پرولتاریای صنعتی ایران طرف هستند.

بازگشت روزنامه کیهان به کمونیسیم مارکس، به منصور حکمت و حزب حکمتیست، و اظهار نگرانی از رشد محافل کمونستی، واقعیت اجتماعی عظیم تری را بیان میکند. نگرانی کیهان و نظریه پردازان و قلم زنان اصلی تر بورژوازی، چه در ایران و چه در سطح منطقه و دنیا گواه حقیقتی است که آنچه در روزنامه کیهان آمده است تنها گوشه و زاویه کوچک آن است. در دنیایی که بورژوازی در ابعاد جهانی عاجز از جوابگویی به معضلاتی است که در مقابل سیستم و قوانین کارکرد آن به جلو صحنه آمده است، مشکلاتی که سیستم سرمایه در بهره کشی نیروی کار و کسب سود از کرده طبقه کارگر با آن روبرو است، بانگ دوباره نیاز جامعه به کمونیسیم و مارکس را در ابعاد بسیار وسیعتر و عمیقتر در مقابل طبقه ما و کل بشریت متمدن قرار داده است. در این اوضاع و در میان تحولات وسیع در جهان و درخاورمیانه، بار دیگر سوال بزرگی بر بالای سر سیستم سرمایه قرار گرفته است و بار دیگر جواب واقعی به این وضع را همان کمونیسیم "منسوخ شده" مارکس است که دارد، چیزی که نظریه پردازان اصلی بورژوازی نمیتوانند

منکرش شوند. اینکه طبقه کارگر جهانی و بخش پیشرو و کمونیسیم آن چقدر به این راه حل خود متکی و جواب دنیای امروز و معضلات آنرا از زاویه منافع طبقاتی خود و با اتکا به کمونیسیم مارکس میدهد، بحثی است که در حوصله این جوابیه نیست.

جامعه ایران با از سر گذراندن دو انقلاب و با داشتن صف وسیع و میلیونی پرولتاریای صنعتی، بورژوازی را با خطر جدی روبرو کرده است. امروز شبح کمونیسیم در این جامعه و در میان کارگران ایران واقعیتی عمیقتر و همه جانبه تر و اجتماعی تر از آن است، که قلم زن مبتدی روزنامه کیهان و بیت رهبری با مقالات بی مایه خود، بتواند از عهده آن برآید. واقعیتی که خود حزب حکمتیست را نیز در مقابل سوالات و مسائل جدیدی قرار داده است و زنگ دروازه هر کمونیسیت و هر حزب کمونستی را به صدا در آورده است. همین واقعیت است که سوالات خود را نیز بر سر میز حزب ما و رهبری این حزب گذاشته است.

اینکه چرا امروز روزنامه کیهان در میان کل چپ ایران به حزب ما میپردازد و در هر فرجه و مناسبتی و از جمله امروز در دل اختلافات میان حزب ما، بار دیگر تلاش دارد پایان خط و جهت ما را اعلام کند، دقیقاً به دلیل جایگاه همین خط و جهت و امکان توده گیر شدن آن، درست در قلب پرولتاریای صنعتی ایران است. در دنیای واقعی حزب ما و جریان ما تنها گوشه بسیار کوچکی و نوک قله کوه یخی است که ابعاد آن مطلقاً با حزب حکمتیست و موجودیت علنی آن قابل قیاس نیست.

مسئله به روشنی این است که در این چند سال و با عروج جنبش سبز، که کل نیروهای سیاسی و کل چپ ایران را با خود برد، حزب حکمتیست با جهتی مارکسیستی و خطی روشن در مقابل این جنبش ایستاد، از منافع کل طبقه کارگر دفاع کرد و این واقعیت اجتماعی عظیم را در سیاست ایران نمایندگی کرد. امروز نگاه به تحولات چند سال گذشته جامعه ایران یک بار دیگر حقانیت این کمونیسیم و حزب حکمتیست و حقانیت جهت عمومی بخش عمده رهبران و فعالین کارگری در مقابل یک جنبش تا استخوان ارتجاعی و ضد کارگری را نشان داده است.

تلاش روزنامه کیهان و مزخرفات "حسین حسینی" و برچسب تشکیلاتی زدن به محافل کمونستی و کارگری، متصل کردن آن به حزب حکمتیست،

تلاش مذبحخانه و از پیشی وزارت اطلاعات و بیت رهبری و روزنامه کیهانشان در مقابل قدرتگیری کمونیسیم است. تلاشی برای امنیتی کردن کار مشکل و متحزب کمونستی طبقه کارگر است که در دنیای واقعی بسیار عمیقتر و وسیعتر و همه جانبه تر از دایره حزب حکمتیست و موجودیت ما است. با این وصف در این تردیدی نیست که حزب حکمتیست در این راه همه توان و انرژی خود را به کار می آندازد. تلاش میکند همه موانع خود برای تاثیر گذاری و نمایندگی کردن این کمونیسیم را از سر راه خود بردارد. تلاش میکند به وظیفه تاریخی خود در اتحاد طبقه کارگر و زدودن انشقاق وسیع این صف، در مبارزه علیه توهمات و تبلیغات مسموم و کر کننده بورژوازی در میان طبقه کارگر، بایستد و سیاست کارگری و کمونستی و پرچم انقلاب کارگری را بلند کند. و تلاش میکند همراه هزاران کمونیسیت این جامعه برای شکل دادن و تقویت و هم خط و هم جهت کردن و متحد کردن کارگران کمونیسیت و رهبران عملی کارگری در کمیته های کمونستی و به عنوان ستون فقرات این جنبش عظیم بکوشد.

کیهان جمهوری اسلامی اعلام کرده است که کمونیسیم مارکس "منسوخ" است، که تاریخ نظرات مارکس و منصور حکمت و حزب حکمتیست به "پایان" رسیده است. اعلام کرده است که جامعه "اسلامی" ایران جای فعالیت کمونیسیتها نیست و فعالیتها کمونستی در میان جوانان و در دانشگاهها و در میان طبقه کارگر، جانی ندارد.

اما تلاش بیت رهبری و وزارت اطلاعات و روزنامه کیهانش، خلاف این ادعا را ثابت میکند. این تلاشها خود گواه این حقیقت است که شبح کمونیسیم نه تنها در میان نسل جوان و در محیط های تحصیلی، بلکه امروز وسیعاً در میان طبقه کارگر و در محل کار و زندگی کارگران در گشت و گذار است. وجود همین شبح است که امروز "پژوهشگر" وزارت اطلاعات و روزنامه کیهانش را مجبور کرده است که پروژه تمام شده خود را بار دیگر از نو شروع کند.

اگر واقعا مردم ایران، طبقه کارگر و نسل جوان آن پذیرای کمونیسیم نیستند، اگر کمونیسیم مارکس و حکمت و حزب حکمتیست "تاریخ مصرفشان" تمام شده است، اگر مردم ایران به "اسلام" روی آورده و جامعه ایران "اسلامی" و طرفدار "جمهوری اسلامی" است، پس ضرورت تلاشهای روزنامه کیهان و پژوهشهای جناب "حسینی" از کجا آمده

مرگ بر جمهوری اسلامی!

روزنامه کیهان و شبح ...

است!! چرا باید کل بیت رهبری تلاش چند ساله را علیه این کمونیسم و علیه حزب حکمتیست و رهبری آنرا در دستور کار عاجل خود بگذارند؟ چه نیازی هست که هزینه های فراوانی را صرف گذاشتن نام رهبران این حزب در لیست اینترنتی کرد؟ چه نیازی هست که پلیس بین المللی را به کمک گرفت و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در قاموس "دادگاه" و "قاضی" حکم رهبران این حزب "منسوخ" شده، صادر کند؟ اگر چنین است و کمونیسم دیگر برای بورژوازی ایران "خطری" نیست و اتحاد طبقه کارگر و تشکل و مسلح شدن آن به کمونیسم و تحزب کمونیستی رهبران و فعالینش سراب است، پس این همه تلاش به چه دلیل در دستور وزارتخانه اطلاعات و روزنامه کیهانش قرار میگیرد؟

اما هم "محقق" وزارت اطلاعات و هم جناب شریعتمداری و بیت رهبری، میدانند که چنین نیست. تلاشهای جمهوری اسلامی در اعلام پایان کمونیسم مارکس و حکمت و اتمام نقش حزب حکمتیست، دقیقاً به دلیل امکان و اعتبار این کمونیسم در جامعه ایران است. به میان کشیدن محافل کارگری و تلاش ما برای اشاعه مارکسیسم در میان آنها و متحد شدن رهبران و فعالین کمونیست این طبقه در محافل کمونیستی و کمیته های کمونیستی،

اتفاقاً همان نگرانی واقعی است که بیت رهبری و روزنامه کیهانش را به تلاش انداخته است.

امروز هزینه های سرسام آوری که صرف مراکز پلیسی و اطلاعاتی، صرف اجیر کردن قمه زن و آدم کش و دادگا و زندان و شکنجه گر شده است، صرف حوزه علمیه و دستگاههای عریض و طویل دروغ پراکنی جهت مهندسی افکار میشود، گواه این حقیقت است که جامعه ایران نه تنها اسلامی نیست بلکه هر فرجه و امکانی میتواند هستی و نبستی کل سیستم را به خطر اندازد. در جامعه ای که تلاش کارگر برای گرفتن حقوق معوقه با گلوله جواب میگیرد، زمانی که اعتراض کارگران پتروشیمی و نفت و ایران خودرو و ... برای گرفتن ابتدائی ترین مطالبات خود، پای پلیس و زندان و دادگاه را به میدان میکشد و مشغله بیت رهبری میشود، زمانی که هر روزه رهبر کارگری را به جرم تلاش برای اتحاد این طبقه زنجیر میکنند و نان شب فرزندان را گرو میگیرند، دقیقاً بدلیل این حقیقت است که طبقه کارگر ایران کاملاً پذیرای کمونیسم و خواهان زندگی برابر و انسانی و مرفه است. اما کل این تلاشهای و سرکوب عریان نتوانسته است نیاز طبقه کارگر به کمونیسم و رهائی را حاشیه ای کند. سه ده سرکوب ممتد و کشتار وسیع و دیوار بلند سانسور، در مقابل نیاز جامعه و طبقه کارگر به رهائی، به برابری و

آزادی، و به کمونیسم، به بن بست رسید. و امروز کمونیسم در میان این طبقه عزیز و سوسیالیسم و حکومت کارگری بخشی از امیال رهبران و فعالین آن است و همین هراس بورژوازی ایران و کیهان شریعتمداری است. و از جمله به این دلیل بار دیگر حزب حکمتیست و کمونیسم ما به روی میز بیت رهبری جمهوری اسلامی باز میگردد.

وزارت اطلاعات و کیهان جمهوری اسلامی به عبث فکر میکنند با این تبلیغات بیمایه، میتوانند پایان کمونیسم را اعلام کنند. ادعائی که در دنیای واقعی خود به آن باور ندارند و اتفاقاً کل نوشته های و "تحقیقات" و "پژوهش های" آنها بیان نگرانی عمیق از کمونیسمی است که بار دیگر تلاش میکند برخلاف تاریخ چپ ایران، به بستر اصلی خود یعنی طبقه کارگر و پرولتاریای صنعتی ایران باز گردد.

چیزی که قلم زن روزنامه کیهان به اسم شکل دادن به محافل کارگری به آن اشاره دارد. کمونیسم مارکس و منصور حکمت و حزب حکمتیست که وزارت اطلاعات به عبث تلاش دارد آنرا "منسوخ" اعلام کند، تلاش دارد هر نوع ارتباط با آنرا امنیتی کند، در حقیقت نوک کوه یخی است که اعتبار آن و خوشبینی به آن امروز نه تنها در میان نسل جوان، که در میان طبقه کارگر و در میان کارگران پیشرو در مراکز صنعتی مشهود است. کمونیسمی

که نه تراوش فکری تحصیلکردگان ناراضی بورژوا را، بلکه اعتراض هر روزه کارگر به کار مزدی و به بردگی مزدی را نمایندگی میکند. کمونیسمی که بعد از صدسال بار دیگر در جامعه ایران و از زبان صاحبان واقعی خود، از زبان مارکس و لنین، از زبان منصور حکمت و از زبان حزب حکمتیست مستقیم مورد رجوع قرار میگیرد، چیزی که هراس روزنامه کیهان دقیقاً از آن است.

جواب ما به بیت رهبری، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، به شریعتمداری و "حسین حسینی"، چیزی جز فراخوان ما به کارگران کمونیست برای اتحاد آنها به عنوان لولای اتحاد کل طبقه کارگر نیست. فراخوان ما به همه کمونیستهای ایران به همه فعالین کارگری چیزی جز تلاش جدی برای پایان دادن به انشقاق در صفوف طبقه کارگر، به بالا بردن خودآگاهی این طبقه و به اهمیت اتحاد رهبران و فعالین کمونیست این طبقه در کمیته های کمونیستی نیست. حزب حکمتیست تمام نیرو و توان خود را در این راه به کار میبرد و این کاری هویتی برای ما است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۲ ژانویه ۲۰۱۲

مبارزه طبقاتی: پرولتاریا و بورژوازی

کمونیسم کارگری اما فرقه مصلحین خیالپرداز و قهرمانان مشتاق نجات بشریت نیست. جامعه کمونیستی الگو و نسخه ای ساخته و پرداخته ذهن خردمندانی خیراندیش نیست. کمونیسم کارگری جنبشی است که از بطن خود جامعه سرمایه داری معاصر برمیخیزد و افق و آرمانها و اعتراض بخش عظیمی از همین جامعه را منعکس میکند.

تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقاتی است. جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشاء اصلی تحول و تغییر در جامعه است.

برخلاف جوامع پیشین که عموماً بر سلسله مراتب طبقاتی و قشربندی های پیچیده ای بنا شده بودند، جامعه مدرن سرمایه داری تقسیم طبقاتی را بسیار ساده کرده است. جامعه معاصر، علیرغم تنوع وسیع مشاغل و تقسیم کار گسترده، بطور کلی بر محور دو اردوگاه طبقاتی اصلی که رودرروی یکدیگر قرار گرفته اند سازمان یافته است: کارگران و سرمایه داران، پرولتاریا و بورژوازی.

تقابل این دو اردوگاه در پایه ای ترین سطح سرمنشأ و مبنای کلیه کشمکش های اقتصادی، سیاسی و حقوقی و فکری و فرهنگی متنوعی است که در جامعه معاصر در جریان است. نه فقط حیات سیاسی و اقتصادی جامعه، بلکه حتی زندگی فرهنگی و فکری و علمی انسان امروز که بظاهر قلمروهایی مستقل و ماوراء طبقاتی بنظر میرسند، مهر این صفتبندی محوری در جامعه مدرن سرمایه داری را بر خود دارند. اردوی پرولتاریا، اردوی کارگران، با همه تنوع افکار و ایده آله و گرایشات و احزابی که در آن وجود دارد، نماینده تغییر و یا تعدیل نظام موجود به نفع توده محروم و تحت ستم در جامعه است. اردوی بورژوازی، باز با کلیه مکاتب و احزاب سیاسی و متفکرین و شخصیت های رنگارنگش، خواهان حفظ ارکان وضع موجود است و در مقابل فشار آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری از نظام سرمایه داری و قدرت و امتیازات اقتصادی و سیاسی بورژوازی دفاع میکند.

کمونیسم کارگری از این مبارزه طبقاتی سر بر میکند. صفی در اردوگاه پرولتاریاست. کمونیسم کارگری جنبش انقلابی طبقه کارگر برای واژگونی نظام سرمایه داری و ایجاد یک جامعه نوین بدون طبقه و بدون استثمار است.

از برنامه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

به علاقمندان شرکت در کنگره...

دریافت شما و تحویلتنان به محل کنگره به اطلاعات دقیق مربوط به سرفرتان احتیاج داریم.

لطفاً همه نمایندگان حداکثر تا ۱ فوریه فرم (الف) که جداگانه برایتان ارسال میشود، را پر کرده و به

آدرس
hekmatist.congres5@gmail.com
om برای ما بفرستند

میهمان و علاقمندان شرکت در کنگره لازم است حداکثر تا ۱ فوریه فرم (ب) را پر کرده و به

آدرس
hekmatist.congres5@gmail.com
om برای ما بفرستند

مسئول برگزاری کنگره

خالد حاج محمدی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

تحریم ابزار کشاورزی ...

محموله های کوچک و از طریق مرزهای زمینی کنید تا بحرانی کردن بیشتر منطقه خاورمیانه و تاثیر آن بر قیمت نفت و مشتقات آن قابل فهم شود. حقیقت اینست که سقوط بازار بورس این تزویرخانه خوش نقش و نگار سرمایه داری همراه با وجود بحران های سرریز تولید، عدم امنیت سرمایه گذاری در کشورهای مادر سرمایه داری به دلیل هزینه بیش تر تولید، وجود بیکاری، اعتصاب، اعتراضات سراسری، رقابت شدید برای تسخیر بازارها با بوجود آمدن مراکز مهم رقابت و همچنین عدم توانایی ارکان های سرمایه داری برای تدویم حاکمیت به شیوه سابق، سیاست تحریم اقتصادی و گزینه نظامی از جانب غرب را پیش کشیده است. در قرن ۲۱ و در پس شرایط بحرانی امروز در دنیا، سرمایه بدون این گزینه ها قادر به رقابت نیست. مشکلات سرریز تولید و در کنار آن بیکاری فزاینده با شیوه های متعارف قابل علاج نیست. نیاز به لشکرکشی های جدید است.

دولت های سرمایه داری همراه با صندوق بین المللی پولشان، با خرید میلیاردها دلار سهام از بازار بورس با هزینه بودجه عمومی و به زیان اکثریت کارگران و مزدبگیران وارد بازار بورس می شوند تا سود بورس بازان را حفظ کنند و مانع شکست برنامه های اقتصادی بورژوازی شوند. هرچه مشکلات نظام جهانی در تدویم حاکمیت به شیوه گذشته بیش تر می شود، تمایل به تحریم، فشار و جنگ طلبی افزایش می یابد. به خوبی می توان دریافت که "غنی سازی اورانیم" یا هر بهانه دیگر می تواند در جهت تدویم شرایط جنگی مورد استفاده قرار گیرد. برای سرمایه داری که در بحران دست و پا می زند، یک ویروس ضعیف شده لازم است تا همواره خود را در حالت آماده باش نگه دارد.

شواهد حاکی از اینست که فضای جامعه ایران با تحمیل تحریم اقتصادی و تهدید به گزینه نظامی از جانب غرب رو به حطی و استیصال دارد. امکان عکس العمل از مردم کاملاً سلب می شود و هر کس به فکر نجات خود و خانواده اش از دست مرگ و میر ناشی از این وضعیت خواهد بود. در این بمباران پروکاسیونی، که هم اکنون غرب علیه ایران آغاز کرده، مردم به هزیمت خواهند افتاد و به سرکوب و حشیانه هر اعتراضی توسط جمهوری اسلامی مشروعیت خواهد داد. صفوف مردم نه تنها امکان مقابله با چنین وضعیتی را نخواهد داشت بلکه دست جمهوری اسلامی را در سرکوب، ترور و اعدام هر مخالفی باز خواهد

روزنامه کیهان مجدداً فعال ...

"خانوادگی" و "بی اهمیت" برای روزنامه کیهان و جناب حسینی چنان اهمیت دارد که زحمت نوشتن و افشای ما را به خود میدهد

دوماً در جواب اتهامات هزاربازه جناب حسینی و بازجویان اوین در وابستگی داب به حزب حکمتیست، ضمن ابزار تشکر و افتخار به آن، آنرا رد میکنیم. ادعای امروز جناب حسینی را باید در کنار فشار وزارت اطلاعات و سپاه و کل دستگاه امنیتی حکومت گذاشت که تلاش میکنند هر فعالیت کمونیستی در ایران را متصل به حزب حکمتیست قلمداد کنند. آنرا پلیسی کنند و به نظر خودشان مانع فعالیت کمونیست ها بشوند. برای ما جای تعجب نیست که نه جناب حسینی و نه وزارت اطلاعات و نه جناب شریعتمداری نمیفهمند که نمیتوانند مانع فعالیت کمونیستی شوند. کمونیست چیزی جز تلاش انسان برای تحقق زندگی لایق خود نیست. زندگی که نه با جنبش سبزشان، نه با جنبش سپاهشان و نه اساساً با هیچ یک از جنبش های بورژوازی شان خوانایی دارد. تلاش طبقه کارگر برای زندگی انسانی داستان زندگی روزمره این طبقه است. کمونیست هایی که در دانشگاه پرچم این طبقه را برافراشتند جزیی از این داستان زندگی روزمره طبقه کارگر بودند و هستند. کمونیست ها و تلاش طبقه کارگر برای رهایی خود از قید نکتت حکومتی که جناب حسینی سخنگویست است را نمیتوانند سرکوب کنند، تعطیلش اما نمیتوانند بکنند.

اشارات جناب حسینی به فعالیت های ما اگر از یکطرف نشانه دقت کافی ایشان به مصاحبه های ما باشد از طرف دیگر اما بی اطلاعی وزارت اطلاعات مربوطه شان از آن فعالیت ها است. این برای ما جای خرسندی است

سوماً -خوبست جناب حسینی به ما ثابت کنند که چرا "ایدئولوژی پوسیده مارکس یا تراواشات ذهنی بیمارگونه

حکمت نه تنها در جامعه اسلامی ایران با توجه به نفوذ عمیق آموزه های مذهبی در بین اقشار مختلف جامعه، که در هیچ جای دنیا جز در محفل فامیلی حکمتیست ها جایگاهی نداشته و نمی تواند داشته باشد "این" آموزه های مذهبی "چه هستند که باید جامعه را از مارکسیسم و حکمتیسم دور نگاه دارد؟ جناب حسینی لطفاً توضیح دهند که سود کارخانه هایی که وزارت صنایعشان ماهانه لیست آنها منتشر میکند بر اساس آن "آموزه های مذهبی" از کجا میاید؟ لطفاً توضیح دهند که دستمزد طبقه کارگر بر اساس آن "آموزه های مذهبی" چگونه تعیین میشود؟ لطفاً زحمت بکشند و توضیح دهند که بر اساس آن "آموزه های مذهبی" چرا فعالین سندیکایی طبقه کارگر در زندان هستند؟ لطفاً توضیح دهند که چرا بر اساس آن "آموزه های مذهبی" طبقه کارگر در ایران حق تشکل های مستقل خود را ندارد؟ لطفاً توضیح دهند که چرا زنان در ایران بر اساس آن "آموزه های مذهبی" تیمی از انسان محسوب میشوند؟ چرا جوانان بر اساس آن "آموزه های مذهبی" نمیتوانند آنطور که حقتشان با خواستشان است زندگی کنند؟ لطفاً توضیح دهند که چرا برای تحمیل "آموزه های مذهبی" مجبورند حداقل ۳۰ درصد بودجه دولتشان را صرف دستگاه های امنیتی بکنند؟ جواب همه سوالات بالا را همان "جامعه اسلامیشان" در مارکسیسم و حکمتیسم جستجو میکنند. جناب حسینی و کیهان شریعتمداری نباید تعجب کنند که "ایدئولوژی پوسیده مارکس یا تراواشات ذهنی بیمارگونه حکمت" دیگر از سروکولشان بالا میروند

در پایان ما کماکان از نوشته های جناب حسینی در "افشای" خود استقبال میکنیم و امیدواریم که اینبار بدون مقدمه نوشته هایشان را قطع نکنند و هزینه جدل کردن با ما را متحمل شوند

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

زنده باد سوسیالیسم